

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: ۲۰۲۱S۰D۱۸SH۱۰۳۷۷۵ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

اصل اعتماد و آثار آن در قرارداد

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۴/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۶/۱۸)

دکتر لیلا جوانمرد^۱

شادی شاهون وند^۲

چکیده

اصل اعتماد در قرارداد، بیشتر اخلاقی و وجدانی است که همگام با گسترش ارتباطات تجاری و ظهور اختلافات پیچیده حقوقی، در جهت حل بخشی از مسائل حقوقی، به موازین عدالت و انصاف پا به عرصه مسائل حقوقی نهاده است و می تواند پیوند بین اخلاق و حقوق را رقم بزند در واقع اصل اعتماد در قرارداد نوعی نتیجه پیوند حقوق و اخلاق است. اصل اعتماد در اجرای قرارداد، اگرچه در مقام یک تعهد مستقل قراردادی عمل می کند اما دارای ضمانت اجرایی در اجرای تعهدات اصلی و ضمنی قراردادی است. در اصل اعتماد چنان چه هر یک از طرفین به تعهدات خود عمل نکنند، برای طرف دیگر آثاری به دنبال دارد، حق حبس و انحلال تعهد به دلیل فسخ تعهد متقابل از آثار این اصل به شمار می آید.

واژگان کلیدی: اصل اعتماد، حسن نیت، قرارداد، وفای به عهد

^۱ نویسنده مسئول fa.baharvand@yahoo.com

^۲ fa.baharvand@yahoo.com

مقدمه

امروزه اصل اعتماد در مرحله‌ی اجرای قرارداد، کاربرد فراوانی داشته و مبنا و اساس روابط حقوق را تشکیل می‌دهد و معمولاً در شرایطی صورت می‌پذیرد که طرفین نیاز دارند به رفتار و عملکرد یکدیگر تکیه کنند. بنابراین اعتماد، یک اصل اساسی در روابط حقوقی و اجتماعی افراد محسوب شده، که افراد برای برقراری امنیت معاملاتی، نیازمند توجه به آن هستند؛ اعتماد هم چون مانعی است که از برخی امور از قبیل اعمال تکراری، اتلاف وقت، هزینه‌های اضافی، اعمال یک‌طرفه، عدم انعطاف‌پذیری، افزایش تضاد و تقابل بین طرفین و... جلوگیری می‌کند و وجود این اصل، موجب فواید بسیاری از جمله موفقیت و پیشرفت در حرفه و روابط، درک بالاتر طرفین، ایجاد تعهد اختیاری، کاهش تضاد و تقابل طرفین، همکاری و تسهیم وظایف، عدم اتلاف وقت، کاهش هزینه‌های اضافی و... است و روابط مبتنی بر اعتماد، جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده چنین اموری از جانب عقلاء پذیرفته شده است و مورد عمل قرار می‌گیرد و تا زمانی که علم یا قرینه‌ای برخلاف اصل مزبور وجود نداشته باشد، مورد عمل قرار می‌گیرد. پس مهم‌ترین آثار آن می‌توان به اصل وفای به عهد، حق حبس و انحلال تعهد به دلیل فسخ تعهد متقابل، اشاره اصل اعتماد در حقوق ایران برگرفته از حقوق کامن لا می‌باشد و با قواعدی در فقه هم چون قاعده‌ی لاضرر، قاعده‌ی غرور و... قابل مقایسه می‌باشد. در خصوص تأثیر نظریه‌ی اعتماد بر قراردادها باید گفت که رعایت اعتماد در قراردادها به آن علت است که تقلب، تدلیس و عدم افشای حقایق عمده در هر قرارداد ممکن است آن قرارداد را در جهت حمایت از طرفی که مرتکب خطا شد و یا فریب‌خورده است، غیرقابل اجرا و غیر معتبر نماید. مثلاً عقد وکالت به عنوان یک عقد نیابتی، مبتنی بر واگذاری صلاح و مصلحت موکل، به وکیل در انعقاد عقود و ایقاعات و انجام کار است. بنابراین پرداختن به این موضوع، با توجه به نقش بارز آن در روابط حقوقی افراد، دارای اهمیت می‌باشد و ضرورت انجام پژوهش حاضر را دوجندان می‌کند.

بخش اول: مفهوم اصل اعتماد

مفهوم اصل اعتماد در اجرای قرارداد و تشخیص انطباق یا عدم انطباق رفتار متعهد بستگی به طرفین دارد و نمی توان مصادیق مشخصی از آن ذکر کرد. اصل عبارت است از ایده ای اصلی که مجموعه مواد قانونی، حول آن ارائه می شود (وادقانی؛ ۱۳۷۶، ۳۶). واژه ای اعتماد نیز مصدر ثلاثی مزید از باب افتعال می باشد و به معنای، تکیه کردن، وا گذاشتن کار به کسی و اطمینان کردن به کار می رود. معتمد (به فتح میم) به معنای مورد اعتماد است و معتمد (به کسر میم) به معنای اعتماد کننده بر کسی می باشد (ابن منظور؛ ۱۳۶۳، ۳۰۳). اعتماد در زبان فارسی معادل اطمینان، اطمینان داشتن، اطمینان کردن می باشد و واژه اطمینان نیز به معنای آرامش خاطر داشتن، یقین داشتن و وضع یا حالت ذهنی ناشی از نداشتن تردید در مورد درست بودن یک خبر، داوری یا باور می باشد. همچنین اعتماد به معنای تکیه کردن، متکی شدن به کسی و وا گذاشتن کار به کسی می باشد (صدری افشار؛ ۱۳۸۲، ۱۱۶) اصل اعتماد ریشه در حقوق کامن لاء دارد و نشانه های این اصل را می توان در سخنان آدام اسمیت ملاحظه کرد. دیگر حقوق دانان انگلیسی نیز معتقدند هنگامی که شخصی وعده می دهد در برابر کسی که آن را می پذیرد ملزم است؛ التزام وی نه به این دلیل که قصد خاصی را ابراز کرده بلکه به خاطر این که قصد خود را به گونه ای بیان کرده که طرف مقابل را محق ساخته که بر عمل و گفتار وی اعتماد کند. همچنین قاعده ی استاپل در حقوق انگلیس و امریکا از جمله قواعدی است که نقش اعتماد در آن ها آشکار است (مهدی زاده؛ ۱۳۹۵، ۷۱). اصل اعتماد در حقوق ایران برگرفته از حقوق کامن لاء می باشد و با قواعدی در فقه هم چون قاعده ی لاضرر، قاعده ی غرور و... قابل مقایسه می باشد. اهمیت و لزوم اعتماد در قرارداد را می توان در آیات و احادیث متعددی که مورد تأکید قرار گرفته است مشاهده نمود. یکی از تعاریف پیشنهادی راجع به اصل اعتماد در منابع حقوق اسلامی عبارت است از این که: طرف های معامله کننده مکلف اند به طرف دیگر اعتماد کنند و اعتماد شونده، ملتزم به سوء استفاده نکردن از حق مزبور و وارد نکردن زیان ناروا به وی می باشد، مگر این که قرینه و آمارهای برخلاف اعتماد کردن وجود

داشته باشد (علیزاده؛ ۱۳۸۴، ۵۷). مقصود از اصل اعتماد این است که خریداران و فروشندگان در صورت طبیعی بودن اوضاع و احوال طرف‌های معامله و همچنین محیطی که معامله در آن انعقاد می‌یابد، مکلف اند به قول، کردار یا خصوصیت ظاهری یکدیگر اعتماد کنند؛ بنابراین، هیچ کدام از آن‌ها حق ندارند مادامی که دلیل و قرینه‌ی صارفه‌ای بر عدم اعتماد وجود ندارد، بنا را بر عدم اعتماد قرار دهد و یا از آن سوءاستفاده کند. در نتیجه، بنابر اصل اعتماد، معامله‌کنندگان می‌توانند در صورت دوران امر بین این که به یکدیگر اعتماد کنند و بر مبنای علم عادی و اطمینان عرفی با یکدیگر معامله کنند و یا این که به یکدیگر اعتماد نکنند و به دنبال علم تفصیلی حسی باشند، امر را بر اعتماد به یکدیگر بگذارند و به همان علم عادی به وجود آمده از اعتماد به دیگری اکتفا کنند، مگر این که اماره و قرینه‌ای در خارج، برخلاف اصل مزبور یافت شود. حال اگر معامله‌کننده‌ای به اعتبار اصل اعتماد وارد معامله شود و طرف معامله از این حق اعتماد کردن وی سوءاستفاده کند، اعتماد کننده دارای حق می‌شود و می‌تواند راجع به سرنوشت حکم وضعی معامله مزبور، با تمسک به اصل اعتماد، تصمیم‌گیری کند. علاوه بر این که فعل سوءاستفاده کننده از اعتماد معامله‌کننده نیز دارای حکم تکلیفی می‌گردد و شخص مزبور، استحقاق مجازات پیدا می‌کند؛ چرا که سوءاستفاده کننده، بر حق طرف معامله تجاوز کرده است. برای مثال، یکی از شرایط صحت معامله، معلوم بودن مقدار ثمن و مثنی است و معامله‌ای که در آن، یکی از آن‌ها یا هر دو مجهول باشد، به دلیل ادله‌ی بطلان بیع غرری، باطل خواهد بود. حال اگر فروشنده، قبلاً مورد معامله را وزن کرده باشد و مقدار کالای مورد معامله را به خریدار اطلاع دهد، خریدار با اتکا به اعتبار اصل اعتماد و حق اعتماد کردنی که از این طریق برای وی به وجود آمده، مجاز است اطمینان عرفی به مقدار کالای مورد معامله را پیدا کند و در نتیجه، معامله را بر اساس اعتماد به خبر فروشنده واقع سازد، مگر این که دلیلی از خارج بر عدم اعتماد به خبر فروشنده وجود داشته باشد. در این حالت، خریدار شخصاً باید کالای مورد معامله را وزن کند و با علم تفصیلی حسی حاصل از وزن کردن، جهل خویش را نسبت به مقدار کالای مورد معامله مرتفع سازد و از طرف دیگر، اعتماد شونده حق ندارد از این اعتماد کننده سوءاستفاده کند و به وی خبر دروغ بدهد (علیزاده؛ ۱۳۸۴، ۵۸).

بخش دوم: مبانی اصل اعتماد

رعایت اصول و ارزش‌های انسانی و اخلاقی و پای بندی به اموری هم چون وفای به عهد، رعایت صداقت، درستی، انصاف، بیان کامل حقایق و دوری از هرگونه فریب و تدلیس، در قلمرو قراردادهای از مسلمات و ضروریات دین اسلام بوده که در آیات قرآن کریم و روایات، به صورت ایجابی یا سلبی مورد تأکید قرار گرفته است. با نظر در آراء فقهاء اصلی با عنوان اصل اعتماد دیده نمی‌شود، اما سیره‌ی عملی آن‌ها در به کارگیری اصل مزبور، حاکی از اصل اعتماد در نزد ایشان است. فقهاء از این اصل در مباحث متعددی استفاده کرده‌اند و به این طریق می‌توان اصل اعتماد را از کلام آن‌ها استنباط کرد.

الف - آیات

برخی از آیات قرآن کریم وجود دارد که با توجه به آن‌ها اصل اعتماد از اعتبار برخوردار گردیده است. در قرآن کریم کلمه‌های احسان، حسن، انصاف، صدق، بُر، خیر و معروف از جمله واژه‌هایی هستند که به نحوی متضمن اعتماد یا معانی مرتبط با آن مثل حسن نیت تلقی می‌گردند و این مفاهیم بیان گر این حقیقت هستند که رعایت صداقت و درست کاری در مناسبات انسان‌ها یک ارزش اخلاقی است و نبود اعتماد و قصد اضرار به دیگران در اجرای حقوق ممنوع می‌باشد. در اینجا به جهت اختصار و بنا به اهمیت آیات، تنها به برخی از آیات که در حقوق قراردادهای و اعتماد مورد توجه قرار گرفته است، اشاره می‌کنیم:

از اصول اعتماد در معاملات کم نکردن کیل و میزان و رعایت عدالت می‌باشد. در آیه ۱۵۲ سوره انعام آمده «... أَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ...» پیمانه و ترازو را با عدالت ایفا کنید. این آیه‌ی شریفه، به تعیین مقدار عوض یا عوضین در قرارداد بیع، اشاره و نقش عدالت در تحقق وفای به پیمانه و اقامه وزن در آن را بیان می‌کند؛ درواقع، وزن و پیمانه‌ای در خرید و فروش اعتبار دارد که بر اساس قسط باشد. در این صورت، مفهوم مخالف آن، چنین است که اگر در پیمانه یا وزن کردن، به عدالت رفتار نگردد، نتیجه‌ی چنین کاری این است که معامله‌ای

غیرمنصفانه و ناعادلانه که یکی از طرفین در آن متضرر و مغبون است، صورت می‌گیرد؛ و به عبارتی اعتماد طرف مقابل سلب می‌گردد (طباطبایی؛ ۱۳۹۷، ۳۸۹). همچنین آیات ۱ تا ۳ سوره مطففین «ویل للمطففین الذین اذا اکتالوا علی الناس یتوفون واذا کالوهم و زنوهم یخسرون» تطفیف خیانت به خریدار از طریق کم گذاشتن در پیمانه یا وزن است. در این آیات خداوند کم‌فروشان را مورد عتاب قرار می‌دهد و براساس آن وجوب اتمام کیل و وزن و حرمت نقصان آن دو حکم می‌شود؛ هرچند آیات مربوط به کم‌فروشی بیان‌کننده‌ی کم‌گذاشتن در پیمانه و ترازوست، اما مفهوم گسترده‌ای دارد و هرگونه کم‌فروشی در دادوستد و نیز کاستن از مواد یا کیفیت لازم در کالاهای تولیدی کم‌کاری در اداره، کارخانه و... را نیز شامل می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران؛ ج ۲۶، ۲۴۷). از آیات دیگری که به اعتماد و نداشتن سوءظن نسبت به یکدیگر اشاره دارد، آیه‌ی ۱۲ سوره حجرات است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا کثیرا من الظن این بعض الظن اثم» ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزی که پاره‌ای از گمان‌ها گناه است. این آیه جهت سوءظن را بیان می‌کند. همچنین منع از خدعه و فریب نیز در قرآن مورد تصریح قرار گرفته است، اعم از این که خدعه به‌طور مستقیم باشد یا توسل به قسم و سوگند و سعی در اغوا و فریب دادن طرف دیگر داشته باشند. در آیه ۹۲ سوره نحل آمده: «مانند کسی که رشته‌ی خود را پس از محکم بافتن از هم می‌گسست نباشید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله‌ی فریب و تقلب سازید به این امید که گروهی از گروه دیگر در دارایی و امکانات افزون‌تر باشند».

ب - روایات

در روایات اعتماد یک اصل کاربردی و مهم تلقی شده و برای این که اعتماد بین طرفین ایجاد شود طرفین باید نسبت به همدیگر اطمینان و اعتماد داشته باشند بخصوص زمانی که معامله یا قراردادی بین طرفین بخواهد صورت پذیرد با بررسی روایاتی از امام صادق به این نکته پی خواهیم برد که حرمت فریب دادن دیگران و گمان نیک داشتن نسبت به یکدیگر زمینه اعتماد

را شکل می‌دهد. امام صادق علیه السلام میفرماید فریب دادن کسی که اعتماد کرده حرام است. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۹۸) از این روایت چنین برمیآید که اعتماد کردن افراد جامعه به یکدیگر، یک امر طبیعی می‌باشد، و اگر کسی خلاف این آن عمل کند، فعل ممنوعی را انجام داده که دارای حکم تکلیفی حرمت است. (عظیمی، ۱۳۹۰: ۵۰) ادله فراوانی از روایات وجود دارد که ضرورت رعایت اعتماد و حسن نیت در قرارداد را تصریح می‌کند. همچنین در سنت پیامبر (ص) و رفتار و گفتار امامان معصوم (ع) رعایت راستی و صداقت در موارد مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است که برخی از آن‌ها مبنای وضع قواعد و احکامی در حقوق اسلام شده و برخی دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

بخش سوم: اصل اعتماد در انعقاد قرارداد

اصل اعتماد به عنوان یکی از اصول اساسی در روابط حقوقی و اجتماعی افراد محسوب شده که قواعد مربوط به آن در حقوق ایران بیشتر براساس اصل حسن نیت می‌باشد که در روابط حقوقی بین افراد برای برقراری امنیت معاملاتی، نیازمند توجه به این اصل هستیم. رعایت اصل حسن نیت در عقود و قراردادها به عنوان یک اصل اخلاقی و حقوقی است چراکه اعتماد طرفین به یکدیگر نقش مهمی در تشکیل یک قرارداد دارد و این اعتماد جز با رفتار صادقانه طرفین حاصل نخواهد شد. اصل اعتماد، زیر بنای ایجاد تداوم یک رابطه مستمر قراردادی است که اهمیت این موضوع در روابط تجارت بین الملل بیش از تجارت داخلی است؛ چرا که بعد مسافت در سطح بین المللی، طرفین را از امکان احاطه و نظارت دقیق بر بسیاری از موارد محروم می‌سازد. از این رو هر کدام از طرفین قرارداد ناچارند که به طرف مقابل اعتماد کنند. (جعفری، ۱۳۹۴: ۷۰-۷۱) رعایت اعتماد هم چون حسن نیت در قراردادها به آن علت است که تقلب، تدلیس و عدم افشای حقایق عمده در هر قرارداد ممکن است آن قرارداد را در جهت حمایت از طرفی که مرتکب خطا شد و یا فریب خورده است، غیر قابل اجرا و غیر معتبر نماید. این قاعده در حقوق مدنی و به طور کلی در حقوق خصوصی و عمومی کلیه ی کشورهای جهان، با توجه به رشد فرهنگی و اقتصادی آن‌ها، بازتاب و ضمانت اجرایی

متفاوت را به دنبال دارد. قانون مدنی ما، موارد تدلیس، اکراه و اشتباه در معامله را موجب بطلان نمی داند بلکه به طرف متضرر حق فسخ معامله را می دهد که این خود به معنای نافذ بودن معامله است. در بسیاری از معاملات تجاری هر چند رعایت اعتماد و حسن نیت موجبات تقویت روابط طرفین در معامله را به دنبال دارد اما در اساس معامله دخالتی ندارد. زیرا در این گونه موارد، با هر کس حتی فاقد حسن نیت نیز می توان معامله نمود (کوشا؛ ۵۴، ۱۳۸۴). لازمه اینکه اصل اعتماد در اجرای قرارداد حاکم و آن قرارداد عملی شود؛ تراضی طرفین است. و اصل احترام به قراردادها را باید همواره در ارتباط با قاعده اصل اعتماد مورد توجه و بررسی قرار داد و متعهدین قرارداد علاوه بر اعتماد باید هر یک به سهم خود سعی در اجرای تعهدات به نحو احسن داشته باشند. (ابراهیمی، ۱۳۹۴: ۵۹) اعتماد و حسن نیت ایجاب می کند گفتگوی اشخاص درباره انجام معامله با اعتماد و حسن نیت انجام شود. حسن نیت در حمایت از قصد قراردادی اشخاص، دو تعهد متمایز بر آنان تحمیل می کند:

۱ - تعهد به صداقت: مذاکرات پیش قراردادی در فرض فقدان پیش قرارداد، متضمن تعهد به ادامه مذاکره و انعقاد قرارداد نیست. اشخاص می توانند از ادامه مذاکره و انعقاد قرارداد متصرف شوند. ولی حسن نیت ایجاب اشخاص گفتار و رفتار صادقانه داشته باشند. تعهد به صداقت متضمن آن است که اشخاص صادقانه رفتار کنند. رعایت صداقت به خصوص در انصراف از قرارداد معنا می یابد. برای مسئولیت منصرف همانند سوء از حق، تقصیر عمدی شرط نیست بلکه صرف تقصیر کافی است و آن را می توان سوء نیت شخص دانست. پس اگر شخص اراده ی واقعی برای انجام مذاکره و عقد قرارداد نداشته باشد و بی جهت امیدی در مخاطب خود ایجاد کند، به معنای اقدام با سوء نیت است و باید خسارت طرف مقابل را جبران کند.

۲ - تعهد به حفظ اسرار قراردادی: اشخاص در جریان مذاکرات پیش قراردادی، برای جلب رضایت مخاطب موضوع معامله را توصیف و مسائل مهمی از جمله اسرار تجاری، دانش فنی و امور مالی را مطرح می کنند. حتی اگر گفتگو به انعقاد قرارداد نینجامد، حسن نیت ایجاب

می‌کند اطلاعات تجاری افشاء شده در مذاکرات پیش قراردادی همچنان سری باقی بماند و در اختیار اشخاص ثالث قرار نگیرد. اسرار تجاری امتیاز رقابتی و با ارزشی هستند که سوء نیت و انتقال آن اسرار به دیگری، مسئولیت مدنی شخص مختلف را به همراه دارد (کاتوزیان و عباس زاده؛ ۱۳۹۲، ۱۷۵).

بخش چهارم: اصل اعتماد در اجرای قرارداد

اصل اعتماد در اجرای قرارداد و معامله را می‌توان یکی از ایده‌های اساسی و بنیادی اصول دانست، که در بسیاری از عقود و قراردادها یکی از طرفین با توجه به گفتار شخص مقابل یا تاثیر شرایط حاکم، رفتار و گفتار طرف مقابل را می‌پذیرد و به نوعی به او اعتماد می‌کند و براساس این اعتماد قرارداد را منعقد می‌نماید. بنابراین اصل اعتماد در معامله در صورت نبود مقررات خاصی در اصول رفتار طرفین در همه مدت اعتبار قرارداد، و در طی روند مذاکره، باید منطبق با اصل اعتماد و معامله منصفانه باشد. (اخلاقی، ۱۳۸۵: ۲۰) طرفین قرارداد باید در هنگام اجرای قرارداد اصل اعتماد را مبنا قرار داده و به تعهدات خود عمل نمایند در غیر این صورت موجبات ضرر دیگری را فراهم آورده است و براین اساس مسئول و ملزم به جبران خسارت و هزینه‌ها و مخارجی است که در مقام تمهید مقدمات اجرای قرارداد متحمل گردیده، ولی نقض قرارداد موجب تباه شدن این مخارج شده است (بهمنی، ۱۳۹۷: ۲۱۸) اصل اعتماد در مرحله اجرای قرارداد کاربرد فراوانی دارد. علت غایی انعقاد هر قرارداد، وفای به عهد یا ایفای تعهدات است. طرفین از آن رو مبادرت به تشکیل قرارداد می‌کنند که تعهداتی را در قبال یکدیگر انجام دهند و از این طریق منفعتی حاصل کنند. در هر قراردادی دو گونه تعهد اصلی و فرعی وجود دارد. تعهد اصلی هدف اصلی قرارداد است و طرفین با انعقاد قرارداد اجرای آن را برعهده گرفته‌اند. تعهد فرعی یا تبعی در مفاد عقد نیامده است اما با توجه به برخی اصول و الزامات خارج از متن قرارداد هم چون قانون، عرف، انصاف، اعتماد و حسن نیت و در راستای ایفای هر چه بهتر تعهدات اصلی به طرفین تحمیل می‌شود. براین اساس، اصل اعتماد در

اجرای قرارداد، اگرچه در مقام یک تعهد مستقل قراردادی عمل می‌کند دارای برخی مؤلفه‌ها در اجرای تعهدات اصلی و فرعی قراردادی است.

الف - اصل اعتماد در اجرای تعهدات اصلی

مرحله ی اجرای قرارداد ناظر به انجام هر گونه تعهدی است که به موجب قرارداد بر عهده ی طرفین نهاده می شود. در قراردادهایی که آثار عقد پس از انعقاد هم چنان باقی می ماند و نیاز به اجرا دارد، اجرای تعهد قراردادی مهم ترین مرحله ی قرارداد است چه آن که هدف از این قراردادها، همانا اجرای تعهدات ناشی از قرارداد می باشد. مهم ترین نقش اعتماد در مرحله ی قراردادی نیز در همین مرحله صورت می گیرد. رعایت صداقت و ملاحظه منافع طرف مقابل و عمل مطابق با انتظارات متعارف طرف مقابل، هسته ی مرکزی اصل اعتماد است و جلوه ی اصلی آن در زمان اجرای تعهدات قراردادی می باشد. در اجرای قرارداد، متعهد بایستی تعهدات خود را صادقانه و دقیق و از روی اعتماد انجام دهد (حاجی پور؛ ۱۳۸۸، ۲۸۸). بر اساس اصل اعتماد، کارهای یک طرف و اعتماد طرف دیگر بر آن است که تعهد به وجود می آورد. به عنوان مثال، اگر کسی اتومبیلی را ندیده باشد و با ذکر اوصاف از طریق فروشنده بدین بیان که اتومبیل مذکور سفید رنگ و بدون هیچ گونه ضرب دیدگی است به گفته ی او اعتماد کرده و اتومبیل را خریده باشد، اما پس از معامله مشاهده کند که اتومبیل مذکور دارای اوصاف ذکر شده نیست، در اینجا می توان گفت از اعتماد خریدار سوء استفاده شده است و خریدار حق فسخ معامله را دارد. آن چه در این فرض موجب اعطای حق فسخ به شخص متضرر گشته است، نقض تکلیف اعتماد در معاملات می باشد. یکی از تعهدات اصلی که از اعتماد حاصل می شود، تعهد به رعایت صداقت در اظهار اطلاعات در مورد معامله می باشد. در فرضی که شخصی مالی را ندیده و به اوصاف می خرد، به اظهارات فروشنده اعتماد کرده و بر این اساس که او در بیان اوصاف مبیع صداقت دارد راضی به انعقاد معامله شده است، لذا بایع طبق موازین اصل اعتماد مکلف است در بیان اوصاف کالا صداقت و درستکاری را رعایت کند، در غیر این صورت، عمل او مصداقی از تدلیس می باشد که موجب غرور و در نتیجه

متضرر شدن شخص خریدار شده است. اجرای با اعتماد و حسن نیت قرارداد مستلزم اجرای تعهدات صریح و ضمنی و نیز تعهدات جدیدی است که به خودی خود با اذعان به اصل اعتماد به وجود می آیند. این موضوع در عقود مختلف، متفاوت است و ظرافت های خاص خود را دارد. مطابق اصل اعتماد در صورتی که متعهدله به وعده متعهد اعتماد نموده و عمل مورد نظر را انجام دهد، پای بندی متعهد به وعده الزامی بوده و نمی تواند رفتار یا گفتار موجد اعتماد خود را انکار و موجب ورود ضرر به متعهدله شود. برای اصل اعتماد در اقتضاعات اجرای تعهدات قراردادی دو معیار وجود دارد که رفتار متعاهدین باید بر اساس آن صورت پذیرد اولین معیار معیار اخلاق است که طرفین باید به حکم اخلاق، تعهدات قراردادی را با نهایت دقت و صداقت ایفا نمایند. هر یک از طرفین باید دیگری اعتماد داشته باشند و تمام آنچه را که لازمه انصاف و اخلاق است رعایت نموده و آنچه که مقتضی طبیعی قرارداد است پایبند باشند. و معیار دیگر، خود قرارداد می باشد و آن اینکه اجرای با اصل اعتماد قرارداد حاوی اینکه اجرای با اصل اعتماد حاوی این معناست که قرارداد به طرز مفیدی و مطابق آنچه مورد انتظار و توقع طرفین بوده و یا هدف آن، ایجاب می نموده است، اجرا گردد. باید گفت در تعهدات قراردادی اصل اعتماد به عنوان رویکردی از حقوق قراردادها به منافع متعهدله توجه دارد. در مواردی که نسبت به قصد و نیت متعهد، اعتماد مضر و زیان آوری وجود داشته باشد، این اصل خواستار اجرای قانونی تعهدات قراردادی است. نکته ای که باید متذکر شد این است که هر اعتمادی استحقاق جبران خسارت را ندارد، بلکه تنها در مواردی که اعتماد متعارف و مقبولی وجود داشته باشد شخص ملزم به جبران خسارت است و در نتیجه معیاری جهت محدود کردن موارد اعتماد وجود دارد. معیار اعتمادی که قابل پیش بینی باشد و یا این که موجه باشد، نکته ی مبهمی است که تعیین آن به مقررات و عرف جایی که قرارداد در آن منعقد شده بستگی دارد. اما مشکل اساسی تر در رابطه با اصل اعتماد این است که گاهی ممکن است بین اعتماد و قرارداد هیچ ارتباط و ملازمه ای وجود نداشته باشد؛ یعنی ممکن است در مواردی اعتماد وجود داشته باشد در حالی که خواننده هیچ تعهدی را به طور ارادی قبول نکرده باشد. مانند موردی که شخص نسبت به انجام عملی در آینده خبر می دهد اما هرگز وعده ای

نمی دهد و یا حتی ممکن است شخصی اعتمادی را در دیگری ایجاد نماید بدون آن که بداند چنین موقعیتی موجب ایجاد اعتماد می شود.

اساس اصل اعتماد بر این پایه استوار است که وعده ها، اخلاقی هستند زیرا وعده در دیگران ایجاد اعتماد می کند. بر اساس اصل اعتماد وعده ها از لحاظ اخلاقی و در واقع از لحاظ قانونی، ارزش رعایت را دارند. در اصل اعتماد بیشترین تاکید بر انتظاراتی معقول و متعارف است و آنچه که برای طرفین قرارداد مهم و کارساز است اینکه با برداشت های معمول و متعارف طرفین مطابقت داشته باشد و معیار ایجاد هر تعهد، انتظارات مشروع مخاطب و اعتماد معقول او به برآورده شدن انتظاراتی است که مورد توجه متعهد بوده باشد. (عبدی پور، پرهیزکار، ۱۳۹۷: ۱۰۲) بنابراین اعتماد معیار دقیق تر را برای لازم الاجرا بودن تعهدات نسبت به هم فراهم می کند و دادگاه تعهداتی را که در آن متعهد له به اعتماد تعهد، عملی را انجام داده قابل اجرا می داند چرا که عادلانه نیست متعهد بتواند از تعهد خود عدول نماید و باید گفت افعال یک طرف و اعتماد طرف دیگر منجر به ایجاد تعهد می شود و نه تبادل تعهدات چرا که بسیاری از قراردادهای معمولی هم چون رزرو بلیت هواپیما یا سفارش غذا، تعهد تلقی نمی گردد. براین اساس، اگر الف کالایی را به تحویل دهد براین مبنا که قیمت آن را پرداز، اقدام الف در انتقال کالا منجر به ایجاد تعهد الزام آور پرداخت قیمت از سوی ب می شود به عبارت دیگر الف فعلی را به ضرر خود انجام داده است بر مبنای این اعتماد که ب قیمت را پرداخت خواهد کرد. برای تحقق اعتماد در تعهدات قراردادی شرایطی لازم است. اولین شرط ایجاد یک فرض یا انتظار نسبت به امور در آینده است. تعهد یا انتظاری که در نتیجه گفتار یا رفتار شخص خواننده (شخص ماخوذ به اعتماد) نسبت به موضوعی، در ذهن خواهان (مدعی اعتماد) ایجاد گردیده و در واقع اظهار یا تعهدی نسبت به رفتار آینده می باشد که چنان چه به نحو مناسبی انجام نگیرد، خواهان را مستحق دریافت خسارت می کند. لازم به ذکر است، تعهد یا انتظار مناسب برای جبران خسارت عبارت است از فرض یا انتظاری که در نتیجه ی پذیرش آن، قراردادی به وجود می آید یا تصویری ایجاد می گردد بدین نحو که در آینده تعهدی

اجرای می شود، معامله ای انجام می گیرد و یا منافی به خواهان توسط خوانده اعطا می گردد لذا جایی که خوانده از انجام دقیق توصیفات بیان شده ناتوان باشد، ملزم پرداخت خسارت به خواهان می گردد. این تعریف بیانگر ماهیت اساساً آینده نگرانه اعتماد می باشد و شامل انتظار در مورد ایجاد هر گونه رابطه ی حقوقی میان خواهان و خوانده می گردد (گماردی؛ ۱۳۷۵، ۷۱). باید گفت ایجاد فرض یا انتظار نیاز به اهلیت نیز دارد و شخص می بایست نسبت به اظهاراتی که می نماید مجاز باشد. همان طور که ماده ۱۹۰ قانون مدنی یکی از شرایط اساسی صحت معاملات را اهلیت بیان نموده است. در واقع اهلیت نوعی قابلیت و شایستگی است که به اعتبار آن فرد می تواند دارای حقوقی شده و تکلیفی را عهده دار گردد که در این خصوص ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر کرده است «اهلیت برای دارا بودن حقوق یا زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ آن تمام می شود. بنابراین انسانی که زنده متولد می شود، دارای قابلیت و شایستگی خاصی است که می تواند حقوقی داشته باشد به قابلیت و شایستگی مزبور اهلیت گفته می شود و در حقیقت اهلیت و شخصیت از لحاظ مفهومی یکی بوده و با هم مرتبط می باشند. در اهلیت گاهی جنبه سلبی آن مراد است و در مقابل حجر بکار می رود و به این معنا عبارت از وصف کسی است که دارای جنون، سفه، ورشکستگی و سایر موانع محرومیت از حقوق کلاً و بعضاً نباشد (حکیمی؛ ۱۳۷۷، ۴).

یکی دیگر از شرایط اساسی اعتماد واضح بودن اظهارات و توصیفات موجد اعتماد می باشد. انتظار یا فرضی که خواهان بر مبنای آن عمل کرده باید روشن و واضح باشد به این معنا که رفتار یا بیانی که توسط خوانده صورت می گیرد باید دارای آن چنان اوصافی باشد که یک فرض یا انتظار صریح و روشن را در ذهن خواهان ایجاد نماید و خواهان بر مبنای آن توصیفات کافی و روشن، عمل نماید. لذا چنان چه توصیفات که توسط خوانده صورت می گیرد دارای چنین شرایطی نباشد و خواهان تنها بر مبنای تصورات ناقصی که از رفتار یا گفتار خوانده در ذهنش ایجاد گردیده عمل نماید دیگر مسئله ی مأخوذ بودن طرف به آن اظهار نمی تواند مطرح باشد و خواهان مستحق دریافت خسارت می باشد. در واقع توصیفی که به عنوان اعتماد

عمل می کند باید صریح، روشن و بدون ابهام باشد چرا که اعتماد نمی تواند از استنباط شخصی از یک سری اظهارات یا رفتار نشأت گیرد.

شرط دیگر اعتماد تشویق، تحریک و یا ترغیب طرف مقابل می باشد. براساس این شرط، خواننده باید کاری در مقابل طرف دیگر انجام داده یا اظهاری نموده باشد که سبب قبول فرض یا انتظار نزد طرف دیگر شود. در واقع چنان چه این رفتار یا گفتار انجام نمی گردید، هیچ رابطه ی حقوقی، تعهد یا قراردادی میان طرفین ایجاد نمی شد. به عبارت دیگر این رفتار یا گفتار است که منجر به توصیف نادرستی شده و در نهایت استناد به آن سبب ورود خسارت به طرف دیگر می گردد (گماری؛ ۷۸، ۱۳۷۵).

از این گفته نباید چنین نتیجه گرفت که رفتار یا گفتار باید لزوماً صریح باشد و یا فعل لزوماً جنبه مثبت داشته باشد، بلکه سکوت نیز می تواند در جایی که شخص در مقابل دیگری وظیفه بیان واقعیت را داشته باشد، مستند اعتماد قرار گیرد. سکوت به آن دلیل که خواننده از انکار فرض یا انتظاری که در ذهن خواهان شکل گرفته است خودداری نموده و وی را برای دچار شدن به ضرر رها کرده، غیر معقول و غیر عادلانه می باشد. در این فرض خواننده تنها زمانی از بار مسئولیت رها می گردد که یا اثبات کند که طرف دیگر را از عدم صحت فرض یا انتظار آگاه کرده و مراتب انکار را به اطلاع وی رسانیده و یا این که برای اجتناب از هر گونه ضرری که طرف دیگر ممکن است دچار آن شود تلاش خود را نموده است. آگاهی از اشتباهات و قصورات فردی دیگر که مسئولیت اعمالش بر عهده خواننده می باشد و سکوت و خودداری از اظهار آن ها و هم چنین رد فرض یا اظهارات ایجاد شده یا مقابله با ضرر قریب الوقوع نیز می تواند به علت سوء نیت مستند اعتماد قرار گیرد. در نهایت باید گفت که در صورت تشویق، تحریک و ترغیب خواهان توسط خواننده قصد واقعی وی مبنی بر فریب خواهان و این که گفتار یا رفتارش مورد اعتماد شخص مخاطب قرار گیرد کاملاً مشهود می باشد.

ب - اصل اعتماد در اجرای تعهدات فرعی

گاه طرفین قرارداد تعهداتی را در قرارداد ذکر نکرده‌اند اما تعهد مزبور برحسب عقل، منطق، عرف و عادت طبیعت قرارداد قابل استنباط است این تعهدات همان تعهدات فرعی هستند. در این تعهدات نیز اعتماد نقش اساسی دارد. هر روزه تعداد زیادی قرارداد منعقد می‌شود که اساس اجرای آن را اعتماد تشکیل می‌دهد. اعتماد در اجرای تعهدات فرعی به دو صورت اصل اعتماد در اقتضاعات قانونی و اصل اعتماد در اقتضاعات عرفی می‌باشد

۱ - اصل اعتماد در اقتضاعات قانونی اجرای تعهدات قراردادی

هرروزه تعداد زیادی از قراردادها بین افراد حقیقی یا حقوقی منعقد می‌شود که انعقاد و اجرای آن‌ها به طور هم‌زمان صورت می‌گیرد و اساس و پایه‌ی آن‌ها براساس اصل اعتماد است. در واقع افعال شما و اعتماد طرف مقابل برقرارداد موجب زمینه اصل اعتماد شده و تعهدی را به وجود آورده که گفتار یا رفتار شما را الزام آور تلقی کند. (مهدی زاده، ۱۳۹۵: ۷۱) بنابراین هرگاه اعتماد متعارفی صورت گیرد، ممکن است تعهداتی حقوقی به وجود آید این تعهدات به هیچ وجه به مواردی محدود نمی‌شوند که در آن‌ها وعده صریحی داده شده باشد، زیرا اگرچه ممکن است این تعهدات در مواردی تحقق یابند که بتوان وجود وعده را استنباط کرد، اما این تعهدات در بسیاری موارد به وجود می‌آیند که در آن‌ها تلاش برای کشف یک وعده، چیزی جز یک فرض قانونی محض نیست. متعهد مسئول انجام آن چیزی است که وعده انجام آن را داده است، چرا که وی نوعی تعلق و وابستگی در اقداماتش برای متعهدله ایجاد کرده است، و چنین وابستگی منبع حقوقی تعهد و وظایف خواهد بود. احتمال اعتماد زیان بار را به وسیله متعهدله در نظر بگیرید. در این مورد معلوم نیست شخصی که به وعده اعتماد کرده، نسبت به شخصی که بدون اعتماد به وعده عمل نموده، قدرت بیشتری برای جبران داشته باشد. شخصی که به وعده اعتماد نمی‌کند ممکن است که تنها متحمل ناامیدی از اجرای انتظاراتش شود، بدون آن که متحمل ضرر مالی شده باشد. البته ناامیدی از انتظارات، در

صورتی که این انتظارات از قرارداد ناشی شده باشد، ممکن است که از طریق تعریف به عنوان نوعی ضرر محسوب گردد. اما، در واقع هیچ تعریفی نمی تواند موقعیت شخصی را که با اعتماد به وعده متحمل ضرر مالی شده است با شخصی که متحمل هیچ کسر از دارایی نشده، برابر بداند. کسی که بدون قصد پرداخت کرایه، سوار اتوبوس می شود، ملزم به پرداخت کرایه است چرا که سوار اتوبوس شده و مسئولیتش به پرداخت کرایه ناشی از فعل وی می باشد و نه قصد؛ شخصی هم که یک قرارداد کتبی را امضاء می کند، مسئولیتش ناشی از کاری است که انجام داده و نه برای آن چه که قصد نموده است. شخص به این دلیل مسئول کارهای خود می باشد که دیگران ممکن است بر کارهای وی به گونه ای که بر اساس معیارهای جامعه متعارف یا حتی ضروری است، اعتماد کنند. بنابراین هرگاه منفعتی ارائه شود و یا اعتماد متعارفی صورت گیرد، تعهداتی اخلاقی و حقوقی برای شخص ایجاد می گردد. این تعهدات به هیچ وجه محدود به مواردی نیست که وعده صریحی داده شده باشد، اگرچه این تعهدات ممکن است در مواردی به وجود آیند که بتوان وعده صریحی را استنباط کرد، اما در بسیاری از موارد، تعهدات مذکور در مواردی به وجود می آیند که تلاش برای کشف یک وعده، چیزی جز فرض محض نیست. بنابراین شخصی که سوار اتوبوس می شود، بدون این که قصد پرداخت کرایه را داشته باشد، ملزم به پرداخت می باشد، و ادعای وجود وعده ضمنی به پرداخت، دور از واقعیت است.

البته همیشه این گونه نیست. هم از لحاظ اخلاقی و هم از لحاظ حقوقی، ارائه منفعت و اعتماد زیانبار، حتی در صورت عدم وجود وعده ای، می تواند منجر به تعهدات و تکالیفی شود. با توجه به نقش مهم اجرای قراردادها در برقراری نظم اجتماعی، بیشتر نظام های حقوقی در صورت عدم اجرای تعهد، به متعهدله حق الزام متعهد به اجرای تعهد را از طریق مراجع صالح داده اند. هدف از ایجاد یک قرارداد، اجرای عین مورد تعهد است. در حقیقت در زمان انعقاد قرارداد، قصد و نیت اصلی طرفین اجرای عین همان تعهدی است که مورد توافق قرار گرفته است زیرا اشخاص برای رفع نیازهای خود و نیز کسب منافع، وارد روابط قراردادی می شوند و

مطلوب اصلی آنان از یک پیمان رفع یک نیاز خاص یا دریافت همان منفعتی است که بر آن اقدام نموده اند و براساس اصل حاکمیت اراده باید این قصد را مراعات نمود (صفایی؛ الفت؛ ۱۳۸۹، ۵۰).

در قرارداد بین فروشنده و خریدار اصل بر اجرای تعهدات می باشد در مواردی که خریدار به فروشنده اعتماد نموده و وارد معامله می شود، معیار اقدام خریدار اعتماد بر قول فروشنده است. در صورت بروز مشکل و نقص در مقدار مورد معامله، خریدار با استناد به این اعتماد می تواند از خیار فسخ استفاده کند و به این طریق خسارتش را جبران نماید. با توجه به اعتماد خریدار به فروشنده، در صورتی که خریدار در اثر اعتماد متضرر شود و مقدار و جنس و اوصاف خلاف اظهارات فروشنده باشد، با توجه به مواد ۳۵۳ تا ۳۵۵ قانون مدنی، حق ابطال و فسخ قرارداد را دارد. در حقوق ایران اصل بر اجبار به انجام عین تعهد است به عبارت دیگر اصل بر آن است که اگر متعهد به اختیار به تعهد خود عمل نکند، ابتدا باید الزام او را به انجام تعهد از مراجع قانونی خواست و اگر اجرا امکان پذیر نباشد بحث فسخ و مطالبه خسارت مطرح می شود. اجبار متعهد به اجرای عین تعهد، نشان از سوء عدم اعتماد طرفین قرارداد دارد. در توجیه آن باید گفت که دو طرف عقد هنگامی به مطلوب و مقصود قراردادی خود می رسند که قرارداد به درستی و بر صحت و اعتماد اجرا شود لذا اگر متعهد متخلفی که از اعتماد طرف مقابل سوء استفاده نموده و به تعهد خود عمل ننموده را نتوان ملزم به اجرای تعهد خویش نمود، طرفین به مقصود مورد نظر نرسیده و تکلیف و تعهد در روابط اجتماعی، مفهوم خود را از دست می دهد؛ زیرا بدون امکان وادار ساختن شخص به اجرای تعهد خود، نمی توان او را متعهد به انجام کاری دانست. قرارداد برای متعهدله ایجاد حق می کند و قانون باید رساندن حق را به صاحب آن، از طریق الزام مدیون، تأمین کند بنابراین لازمه احترام به قرارداد، برقرار کردن ضمانت اجرا برای آن است. همچنین مصلحت اعتماد، پایداری و ثبات قرارداد، به عنوان دلیلی دیگر بر عدم امکان فوری فسخ قرارداد منقوض، ذکر شده و ضرر عدم نیل متعهدله به اهداف قراردادی خود، در برابر این مصلحت ممدوح، ناچیز شمرده شده و سایر توجیهات متصور به منظور یافتن

راهی برای امکان فسخ قرارداد نیز مردود اعلام گردیده است (شهیدی؛ ۱۳۸۳، ۵۵). در صورتی که متعهد تظاهر کند که از اصل اعتماد برخوردار می باشد و فقط توان اجرای تعهد را ندارد مثلاً تظاهر به نداری کند و یا موضوع تعهد عملی باشد که قائم به شخص متعهد بوده و انجام آن جز به وسیله شخص متعهد و دخالت و مشارکت او قابل اجرا نباشد، حقوق باید وسایلی را در اختیار متعهد له و دادگاه قرار دهد که با به کار بردن آن ها متعهد را وادار به اجرای اصل اعتماد و وفای به عهد نماید و فشارهایی را بر او وارد کند تا مالی را معرفی کند یا کارهایی را که مطابق تعهد بر عهده گرفته است را انجام دهد به عبارت دیگر در صورتی که امکان الزام متعهد به صورت مستقیم وجود نداشته باشد اقداماتی می تواند از طریق دادگاه جهت الزامات وی صورت گیرد که به نحوی ابزارهای غیرمستقیم الزام متعهد به اجرای تعهد می باشند اصل اعتماد با نواقصی مواجه بوده که موجب بلامتکلیفی و در بعضی مواقع سردرگمی شده، چرا که طرفین تا وعده ای که منفعتی دریافت نکنند ملزم به هیچ تعهدی نسبت به یکدیگر نیستند و همین امر باعث به وجود آمدن مشکلات دعاوی ناشی از آن شده که رسیدگی به آنها توسط دادگاه دشوار و گاه غیر ممکن است. چرا که در بیشتر مواقع اصل اعتماد در قرارداد به مسائل اخلاقی مانند صداقت و امانت بهای چندانی نمی دهد. (اللهی، ۱۳۹۵: ۷۹۷)

۲ - اصل اعتماد در اقتضاعات عرفی اجرای تعهدات قراردادی

در برخی موارد ایفای دین بر مبنای عرف است. قانون خاستگاه منحصر به فرد حقوق نیست؛ بلکه عرف و عادات مسلم جامعه نیز در ایجاد و تکامل حقوق در جوامع انسانی نقش بسزایی داشته است. عرف و سنت در هر جامعه، که از ذوق سلیم و ریشه های فطری آن جامعه سرچشمه می گیرد، به صورت مجموعه ای از قواعد و مقررات متجلی می شود که گذشت زمان و اعتقاد به الزام آور بودن، حالت تقدس بدان بخشیده و هرگونه تخطی از آن عکس العمل افکار عمومی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین عرف به عنوان یکی از منابع حقوق مکمل قانون می باشد. در رابطه با بحث حاضر، گاهی تعهدات طرفین در همکاری و مشارکت

در اجرای قرارداد، بر مبنای متعارف بودن توجیه می شوند. از آن جایی که به موجب ماده ۲۲۰ قانون مدنی، طرفین قرارداد ملزم به رعایت لوازم و نتایج عرفی قرارداد می باشند، هرگاه تکلیفی در عرف برای متعهدله در تسهیل اجرای تعهد پیش بینی شده باشد، متعهدله مأخوذ به آن می باشد. به عنوان نمونه، می توان به ارائه اطلاعات توسط موکل به وکیل در راستای تسهیل اجرای موضوع وکالت، اشاره نمود که از مفاد تکالیف عرفی موکل قابل استنباط است. همچنین، در رابطه بین بیمار و پزشک تکالیفی برای شخص بیمار متصور می باشد؛ زیرا اجرای تعهد پزشک به معالجه، بدون همکاری بیمار ممکن نیست. این تکلیف بیمار را می توان بر مبنای عرف و عادت توجیه نمود (نقیبی و همکاران؛ ۱۳۹۲، ۴۴). گاهی در روابط بین افراد، اعتماد بر مبنای عرف صورت می گیرد در عرف بسیاری از موارد می تواند پوشش دهنده ی اصل اعتماد باشد. معمولاً اعتماد به صراحت در روابط افراد مطرح نمی شود اما به صورت ضمنی پذیرفته شده است. به این صورت که اگر از طرفین پیرسیم مبنای کار شما چیست و بر چه اساسی حاضر به انجام این عمل حقوقی شده آید در پاسخ می گوید که اعتماد کردم. گویی طرفین بر اعتماد توافق دارند اما آن را مطرح نمی کنند. زیرا به نظر طرفین وجود اعتماد محرز، مسلم و بدیهی است مانند این که براساس عقدی فلان تالار برای اجرای مراسم شب عروسی در اختیار عروس و داماد قرار گیرد و طرفین در این قرارداد به ساعت شروع مراسم و پایان آن توجهی نداشته باشند و در پاسخ به دلیل آن بگویند براساس عرف معمولاً بین ساعت ۷ تا ۱۱ می باشد. زیرا به نظر طرفین وجود اعتماد محرز، مسلم و بدیهی است و نیازی به تصریح ندارد، اگر چه در متن عقد ذکر نشده است اما مورد قصد وارده متعاملین قرار گرفته است.

زمانی که شرطی صریحاً ذکر نمی شود معمولاً به واسطه ی عرف یا دیگر قرائن استنباط می شود. پس زمانی که صراحتاً اعتماد مطرح نمی شود، باید بگوئیم عرف آن را پذیرفته عدم ذکر آن به منزله پذیرش می باشد، مثل این که در عقد ذکر شده است. اعتماد به عنوان یک شرط ضمنی به صورت معمول و معقول از اوضاع و احوال و سیره ی عرفی استنباط می شود. طرفین

از ضمیر یکدیگر آگاه بودند و نیازی به ذکر این شرط احساس نکردند. وجود اعتماد در روابط بین افراد جامعه از جمله در روابط حقوقی آنان به اندازه ای تکرار شده که مسلم است که نیازی به ذکر آن نیست. وجود اعتماد در روابط حقوقی از جمله در قراردادها اصلی بیگانه نیست. برای مثال در خیار رؤیت، زمانی که فردی قصد معامله اتومبیلی دارد که قبلاً آن را مشاهده کرده است یا این که اتومبیل را مشاهده نکرده اما وصف آن را از بایع شنیده است، هنگام انعقاد بیع در صورت غایب بودن مبیع، بنابر رؤیت پیشین خود یا اوصاف مطرح شده توسط بایع قرار می دهد و حاضر می شود بیع را منعقد کند. دلیل این اقدام مشتری، اعتماد بر بایع است. این اعتماد ضمن قرارداد مطرح نشده اما در هنگام اجرای قرارداد در صورت تخلف فروشنده و وجود نقص و تغییر در اتومبیلی که قبلاً مشاهده شده بود، اعتماد مورد استناد قرار می گیرد و ضمانت اجرایی نیز با عنوان خیار رؤیت به دنبال خواهد داشت. ماده ۴۱۰ قانون مدنی بیان می دارد:

هر گاه کسی مالی را ندیده و آن را فقط به وصف بخرد بعد از دیدن اگر دارای اوصافی که ذکر شده است نباشد مختار می شود که بیع را فسخ کند یا به همان نحو که هست قبول نماید. همچنین در ماده ۴۱۳ آمده:

هر گاه یکی از متبایعین مالی را سابقاً دیده و به اعتماد رؤیت سابق معامله کند و بعد از رؤیت معلوم شود که مال مزبور اوصاف سابقه را ندارد اختیار فسخ خواهد داشت. عرف از این لحاظ دارای اهمیت است که منبع قابل اعتمادی برای تبیین مفاد قراردادها و تعهدات طرفین است. براین اساس عرف و عادت که طرفین به طور صریح یا ضمنی به آن ارجاع می کنند و یا بر آن ها تحمیل می شود، خلاء های قانونی را پر و اراده طرفین را تکمیل می کند. البته باید گفت برای تأثیر عرف و اعمال آن شرایطی وجود دارد. برخی از این شرایط از عناصر و خصوصیات عرف است که چنان چه موجود نباشد درواقع رسم و عادت و عرف حقوقی نخواهد بود. عرف نباید باعث تعطیل اصل قطعی شرعی گردد و موجب تعطیل دلایل شرعی باشد. در غیر این صورت آن عرف باطل است. همچنین عرف نباید مخالف قوانین آمره، نظم عمومی و

اخلاق حسنه باشد؛ زیرا قانون امری، اساساً در جهت پاسداری از نظم عمومی وضع می گردد که نمی توان از آن منحرف شد و برخلاف آن توافق کرد. توافق برخلاف قانون امری باطل و بلااثر است. در مورد ایجاد عرف مغایر با شرع یا نظم عمومی و اخلاق حسنه ممکن است تردید ایجاد گردد. عملاً نیز ایجاد عرف مغایر با آن ها محدود و اندک است اما کاملاً ممتنع نیست. مثلاً معاملات ربوی که علی رغم مخالفت با شرع، نظم عمومی و اخلاق حسنه، رایج و متداول نیست. عرف باید در زمان واقعه و موضوعی که می خواهیم حکم عرف را نسبت به آن جاری کنیم، وجود داشته باشد؛ بنابراین چنان چه عرف، قبل از وقوع مسئله، تحقق نیافته باشد و بعداً به وجود آید، حکم آن نسبت به آن مورد جاری نبوده و معتبر نیست. همچنین هنگامی که متعاقدين شرط خلاف عرف کرده باشند، حکم در روابط بین آنان مردود و باطل خواهد بود. اعتبار عرف اصولاً ناشی از اراده‌ی طرفین عقد است و هنگامی که اراده‌ی ابرازشده آن ها مغایر با عرف باشد، ثابت می گردد که اراده‌ی مفروض آن ها اعتباری نخواهد داشت. عدم شرط خلاف شامل شرط ضمنی نیز خواهد بود. در مواد مختلف قانون مدنی، خصوصاً مواد ۳۴۴ و ۳۵۶ فقط شرط صریح یا ضمنی خلاف طرف های قرارداد می تواند مانع از تأثیر عرف در قرارداد گردد. گاهی حتی در صورت عدم وجود شرط خلاف و موجود بودن سایر شرایط نیز، عرف حاکم خواهد بود، چه طرفین قرارداد به آن عالم و چه جاهل باشند؛ بنابراین شرط عدم شرط خلاف، معنا و مفهوم خاص خود را دارا می باشد (ملکی فر؛ ۵۶، ۱۳۹۳).

نتیجه گیری

امروزه اصل اعتماد در مرحله‌ی اجرای قرارداد کاربرد فراوانی دارد. مرحله‌ی اجرای قرارداد ناظر به انجام هر گونه تعهدی است که به موجب قرارداد بر عهده‌ی طرفین نهاده می شود. مهم ترین نقش اعتماد در مرحله‌ی قراردادی نیز در همین مرحله صورت می گیرد. بر اساس اصل اعتماد، کارهای یک طرف و اعتماد طرف دیگر بر آن است که تعهد به وجود می آورد و در صورتی که متعهدله به وعده متعهد اعتماد نموده و عمل مورد نظر را انجام دهد، پای بندی

متعهد به وعده الزامی بوده و نمی تواند رفتار یا گفتار موجد اعتماد خود را انکار و موجب ورود ضرر به متعهدله شود. یکی از صور اجرای تعهدات قراردادی که امروزه مطرح است، تعهد به همکاری در اجرای تعهدات قراردادی می باشد که مهم ترین نقش اعتماد در اجرای تعهدات قراردادی نیز در همین تعهد به همکاری صورت می گیرد. رعایت صداقت و درستی و ملاحظه ی منافع طرف مقابل و همکاری در جهت اجرای تعهدات قراردادی مطابق با انتظارات طرف مقابل، هسته ی مرکزی اعتماد در اجرای تعهدات قراردادی می باشد. گاه طرفین قرارداد تعهداتی را در قرارداد ذکر نکرده اند اما تعهد مزبور برحسب عقل، منطق، عرف و عادت طبیعت قرارداد قابل استنباط است این تعهدات همان تعهدات فرعی هستند. در این تعهدات نیز اعتماد نقش اساسی دارد. اعتماد در اجرای تعهدات فرعی به دو صورت اصل اعتماد در اقتضاعات قانونی و اصل اعتماد در اقتضاعات عرفی می باشد هرگاه اعتماد متعارفی صورت گیرد، ممکن است تعهداتی حقوقی به وجود آید این تعهدات به هیچ وجه به مواردی محدود نمی شوند که در آن ها وعده صریحی داده شده باشد، زیرا اگرچه ممکن است این تعهدات در مواردی تحقق یابند که بتوان وجود وعده را استنباط کرد، اما این تعهدات در بسیاری موارد به وجود می آیند که در آن ها تلاش برای کشف یک وعده، چیزی جز یک فرض قانونی محض نیست. متعهد مسئول انجام آن چیزی است که وعده انجام آن را داده است، چرا که وی نوعی تعلق و وابستگی در اقداماتش برای متعهدله ایجاد کرده است، و چنین وابستگی منبع حقوقی تعهد و وظایف خواهد بود. در حقوق ایران اصل بر اجبار به انجام عین تعهد است به عبارت دیگر اصل بر آن است که اگر متعهد به اختیار به تعهد خود عمل نکند، ابتدا باید الزام او را به انجام تعهد از مراجع قانونی خواست و اگر اجرا امکان پذیر نباشد بحث فسخ و مطالبه خسارت مطرح می شود. گاهی در روابط بین افراد، اعتماد بر مبنای عرف صورت می گیرد در عرف بسیاری از موارد می تواند پوشش دهنده ی اصل اعتماد باشد. معمولاً اعتماد به صراحت در روابط افراد مطرح نمی شود اما به صورت ضمنی پذیرفته شده است. زمانی که شرطی صریحاً ذکر نمی شود معمولاً به واسطه ی عرف یا دیگر قرائن استنباط می شود. پس زمانی که صراحتاً اعتماد مطرح نمی شود، باید بگوییم عرف آن را پذیرفته عدم

ذکر آن به منزله پذیرش می باشد، مثل این که در عقد ذکر شده است. اعتماد به عنوان یک شرط ضمنی به صورت معمول و معقول از اوضاع و احوال و سیره ی عرفی استنباط می شود. طرفین از ضمیر یکدیگر آگاه بودند و نیازی به ذکر این شرط احساس نکردند. عرف از این لحاظ دارای اهمیت است که منبع قابل اعتمادی برای تبیین مفاد قراردادها و تعهدات طرفین است. براین اساس عرف و عادت که طرفین به طور صریح یا ضمنی به آن ارجاع می کنند و یا بر آن ها تحمیل می شود، خلاء های قانونی را پر و اراده طرفین را تکمیل می کند. در خصوص اصل اعتماد قاعده ای که هدف از آن پیشگیری از ورود ضرر بین طرفین باشد، پیش بینی نگردیده است بنابراین اگر به این اصل اهمیت بیشتری داده شود و مقنن آن را در قالب یک ماده ی حقوقی در کنار اصول دیگر مثل اصل حسن نیت مورد توجه قرار دهد تا با تطبیق این اصل با حقوق، در صدد ایجاد قانونی در جهت بهبود روابط قراردادی باشد

منابع و مآخذ

الف) کتب

۱. حکیمی، حمزه، (۱۳۷۷)، مطالعه تطبیقی اهلیت در نکاح در حقوق ایران و مصر، انتشارات مجتمع آموزش عالی، قم
۲. شهیدی، مهدی، (۱۳۸۳)، آثار قراردادها و تعهدات، انتشارات مجد، تهران
۳. صدری افشار، غلامحسین و دیگران، (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر فارسی، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران
۴. عزیزاده، مهدی، (۱۳۸۴)، زیر نظر سید مصطفی محقق داماد، احکام سوء عرضه کالا در حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد
۵. گماردی، مسعود، (۱۳۷۵)، قاعده استاپل و مسئولیت بین المللی، انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه، تهران
۶. ملکی فر، محبوبه، (۱۳۹۳)، تعارض عرف با سایر منابع تفسیر قرارداد، وزارت علوم و تحقیقات فناوری، دانشگاه گیلان
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۳۶۳)، لسان العرب، جلد ۳، نشر ادب الحوزه، قم
۸. طباطبایی، سید علی، (۱۳۰۷)، ریاض المسائل، جلد ۱، موسسه آل البيت، قم
۹. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۲۶ تهران
۱۰. مهدی زاده وحیده، (۱۳۹۵)، نقد و بررسی نظریه اعتماد متعارف، دانشگاه قم، دانشکده حقوق، زمستان

۱۱. موسسه بین المللی یکنواخت کردن حقوق خصوصی، (۱۳۸۵)، اصول قراردادهای تجاری بین المللی، چاپ دوم، مترجم اخلاقی، بهروز، امام، فرهاد، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش های حقوق شهر دانش

۱۲. جعفری، علی، (۱۳۹۴)، اصل حسن نیت در قراردادهای، بررسی فقهی و حقوقی، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، زمستان

۱۳. ابراهیمی، یحیی، (۱۳۹۴)، حسن نیت در حقوق قراردادهای، چاپ اول، انتشارات موسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش

۱۴. انصاری، علی، (۱۳۸۸)، تئوری حسن نیت در قراردادهای، (مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و نظام های حقوقی معاصر)، چاپ اول، انتشارات جنگل

۱۵. بهمنی، محمد، (۱۳۹۷)، مسئولیت قراردادی و جبران خسارات ناشی از نقض قرارداد، با مطالعه تطبیقی کالا در حقوق ایران و انگلیس، چاپ اول، انتشارات خرسندی

۱۶. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، چاپ پنجم، انتشارات دفتر اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جلد ۲۵، قم

ب) مجلات

۱. حاجی پور، مرتضی، (۱۳۹۲)، حسن نیت تکلیفی در فقه امامیه، مجله فقه و حقوق اسلامی، شماره ۷

۲. کوشا، ابوطالب، (۱۳۸۴)، اصل حداکثر حسن نیت در معاملات بیمه و نیم نگاهی به آن در عقود و قراردادهای، نشریه حقوق، دیدگاههای حقوق قضایی، شماره ۳۶ و ۳۷

۳. کاتوزیان ناصر، عباس زاده محمد هادی، (۱۳۹۲)، حسن نیت در حقوق ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۳
۴. نقیبی، سید ابوالقاسم، تقی زاده ابراهیم، باقری عباس، (۱۳۹۳)، جایگاه حسن نیت در فقه امامیه، پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره ۱
۵. وادقانی محمدزاده علیرضا، ترجمه ژان بولانژه، (۱۳۷۶)، اصول کلی حقوق و حقوق موضوعه، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی
۶. عبدی پور، ابراهیم، پرهیزگار، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، نظریه اعتماد و تاثیر آن بر قواعد حاکم بر نمایندگی (مطالع تطبیقی در حقوق ایران و حقوق اروپایی)، نشریه علمی - پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، سال نهم، شماره هفتم، پاییز و زمستان
۷. نعمت اللهی، اسماعیل، (۱۳۹۵)، معرفی و نقد نظریه اعتماد متعارف، فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۷، شماره ۲، پاییز و زمستان
۸. عظیمی، خدیجه، (۱۳۹۰)، بررسی تطبیقی اصل اعتماد در فقه امامیه و حسن نیت در کامن لا و اسناد بین المللی، استاد راهنما حسین سیمایی صراف، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم
۹. مهدی زاده، وحیده، (۱۳۹۵)، نقد و بررسی نظریه اعتماد متعارف، استاد راهنما، اسماعیل نعمت اللهی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه قم